

نقش توکل در کسب و کار

غلامرضا منتظری^۱، بهزاد لاله زاری مصلی^۲، سیدمهدی حسینی نژاد^۳

^۱ استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان.

^۲ دانشجوی دکتری کارآفرینی- کسب و کار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علی آباد کتول، گروه کارآفرینی، علی آباد کتول، ایران.

^۳ دانشجوی دکتری کارآفرینی- کسب و کار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علی آباد کتول، گروه کارآفرینی، علی آباد کتول، ایران.

نام نویسنده مسئول:

بهزاد لاله زاری مصلی

چکیده

در این پژوهش به عنوان هدف اصلی، قصد این است که در تقاطع دو حوزه دین و کارآفرینی به تحقیق پرداخته و نقش یکی از مفاهیم دینی به نام توکل، برگرفته از متون اسلامی، قرآن و روایات را در تحمل ابهام و افزایش مقاومت کارآفرینان ایرانی و مسلمان را در حوزه کارآفرینی تبیین نماید. برای این هدف از روش پژوهش تحلیل، تبیین و توصیف کارکردهای آیات و روایات در متون دینی بهره گرفته و آنها را در حوزه کارآفرینی در شرایط غیرمطمئن به کار می گیرد و نتایج مثبت آنرا ترسیم و گزارش می نماید و پیشنهاداتی در راستای حوزه کارآفرینی ارائه می نماید.

واژگان کلیدی: توکل، متوکل، کارآفرینی.

مقدمه

ژرف کاوی نظام آفرینش از بدو خلقت تا تحولات و تطورات آن در طول زمان و عمر بشر بیانگر این مسئله است که خداوند جهان را بر اساس حرکت، کار، تغییر، فعالیت، تلاش و گردش امور قرار داده است، از طرفی نیز سیر تکاملی و تکامل موجودات را نیز بر این پایه استوار نموده است به گونه ای که تمام موجودات کوچک و بزرگ اگر از فعالیت و کار باز ایستند به مقدار خویش به گوشه ای از این نظام آسیب خواهند زد و در سیر تکاملی خود نیز وقفه و خلل ایجاد می کنند (جوادی آملی، ۱۳۸۸). انسان نیز جزئی از این جهان است و در چنین صحنه ی پرتلاشی نباید بیکار بماند، بلکه باید در هیأت کارآفرین اندیشه ورز ظاهر شود زیرا دور از عقل و انصاف است که موجودی از فعالیت ها و حرکت های دیگر موجودات بهره بگیرد و خود بهره ندهد و سربار دیگران باشد و نیز می دانیم که دستیابی به پیشرفت های معنوی و مادی با حرکت و کار و کوشش امکان پذیر است (طوسی، ۱۳۷۸: ۱۵) و آنکس که تن به کار نمی دهد و از رنج کار می پرهیزد خود را از رسیدن به کمال باز می دارد. دیانت پاک اسلام که قوانینش بر زیربنای محکم و ریشه دار فطرت بنا شده و مقرراتش خواسته ها و کشش های فطری به کار ارج می نهد و بر خلاف برخی ادیان که بصورت نهادی انسان را در بر دارد، افراطی رهبانیت را ترویج می دهند اسلام پیروان خود را به کار و فعالیت وادار می دارد و گوشه گیری و رهبانیت را ناروا می شمارد. در اخبار پیشوایان اسلام آمده است: از کسالت و سستی بپرهیزید (الحرالعالمی، ۱۳۹۱: ۱۲) چرا که انسان باید در این جهان زندگی کند و برای زندگی نیز ناگزیر از کار کردن و خلق فرصت ها و کارآفرینی است (فان و زیگانگ، ۲۰۰۴: ۲۴). با در نظر گرفتن این مطالب می توان به اهمیت کسب و کار و تلاش برای روزی پی برد. ولی نباید فراموش کرد که در این راه باید ریسک پذیری و خطرات مسیر کسب و کار را نیز در نظر گرفت. اعتقاد به توکل در مفهوم صحیح به رشد کارآفرینی کمک فراوانی می نماید، زیرا کارآفرینی متضمن ریسک پذیری است، با توکل بر خدا، افراد خطر را پذیرفته و با درایت و دوراندیشی مسیرهای پر ابهام را طی و مشکلات را حل می نمایند (جعفری و حبیبی، ۱۳۸۸). لذا در این نوشتار سعی گردیده است تا مطالبی برای توجه بیشتر به اهمیت توکل در کسب روزی اشاره گردد.

۱- آشنایی با مفاهیم توکل و متوکل^۲

توکل، اصطلاحی دینی و عرفانی و اخلاقی است. توکل در لغت به معنای اظهار عجز در کاری و اعتماد کردن به دیگری است و در اصطلاح و اختصاصاً وقتی دیگری خدا باشد، اطمینان به خدا و یأس از مردم و تسلیم خدا بودن و تنها به او اعتماد کردن است. بر این اساس، متوکل کسی است که می داند خدا رزق و امر او را کفالت می کند و از اینرو فقط به او متکی است و امید به غیر او ندارد. مصدر توکل در قرآن نیامده، اما مشتقات و واژه های هم ریشه با آن هفتاد بار، مرتبط با مضامین گوناگون، به کار رفته است. نسبت میان توکل و ایمان را می توان مهمترین مضمونی دانست که در قرآن درباره توکل آمده است. تکرار عبارت وعلی الله فلیتوکل المؤمنون^۳ در سوره های متعدد قرآن حاکی از اهمیت این نسبت است. گذشته از این عبارت، که بصراحت توکل را لازمه ایمان می شمارد، آیات متعدد دیگری نیز بر این مطلب دلالت دارد و از ایمان و توکل در کنار هم سخن می گوید.^۴ در قرآن توکل و تقوا^۵ در کنار هم به کار رفته و از صبر نیز همراه با توکل یاد شده است. بر این اساس، توجه به مفاهیم ایمان و تقوا و صبر در درک عمیق تر مفهوم قرآنی توکل اهمیت دارد. از مضامین جالب توجه در آیات مرتبط با توکل، متوکل بودن پیامبران الهی است؛ همچنانکه نوح و هود و شعیب علیهم السلام به قوم خویش می گویند که به خداوند توکل کرده اند^۶ و ابراهیم علیه السلام نیز به خداوند می گوید: «رَبَّنَا عَلَیْكَ تَوَكَّلْنَا»^۷ پیروان شعیب هم خطاب به کافران قوم می گویند که بر خدا توکل کرده اند^۸. مفهوم توکل درحقیقت نوعی پناهنده شدن به خداوند است و انسان متوکل، خدا را به منزله وکیل برمیگزیند تا به صلابت روحی و روانی رسد.

۲- کسب و کار از نگاه اسلام

دین مرفقی اسلام چون بیشترین توجه را به تک تک افراد جامعه دارد می تواند یک فرد کارآفرین را در کار و فعالیت خویش بیشتر تشویق کند، و فرد کارآفرین با دید دینی می تواند در کار و فعالیت خویش موفقیت بیشتری را کسب کند و تنها به فکر منافع خویش نباشد و دیگران

^۱ Fan & Zigang^۲ برگرفته از تارنمای دانشنامه جهان اسلام^۳ آل عمران: ۱۶۰، ۱۲۲؛ مائده: ۱۱؛ توبه: ۵۱؛ ابراهیم: ۱۱؛ تغابن: ۱۳؛ مجادله: ۱۰^۴ ملک: ۲۹؛ یونس: ۸۴؛ مائده: ۲۳؛ شوری: ۳۶؛ نحل: ۹۹؛ انفال: ۲^۵ طلاق: ۳-۲^۶ نحل: ۴۲؛ عنکبوت: ۵۹^۷ یونس: ۷۱؛ هود: ۵۶، ۸۸^۸ ممتحنه: ۴^۹ اعراف: ۸۹

را نیز در موفقیت خویش شریک سازد تا بتواند کار را توسعه دهد. با نگاه کلی به ویژگی های یک فرد کارآفرین و خصوصیات که اسلام از یک انسان با تقوا انتظار دارد می توان فهمید که انسان مومن به تمام معنی، می تواند یک فرد کارآفرین باشد، چون مسئولیت پذیری، دستیابی به درجه های بالاتر اجتماعی و تحمل شکست و امید و فعالیت که از ویژگی های یک کارآفرین است در اسلام نیز به انسانها توصیه شده است تا بتوانند به موفقیت و کامیابی دنیوی و اخروی دست یابند، اسلام انسانها را به داشتن امید و مثبت بودن تشویق می کند و هرگز منفی گرایی را قبول نمی کند. کارآفرینی از دیدگاه مقدس اسلام یک کار مقدس به شمار می آید (قائدعلی و عاشوری، ۱۳۹۳).

کار و تلاش رمز بقای یک جامعه است. در سیره پیشوایان معصوم (ع) فعالیت های اقتصادی افراد ارزش بالایی دارد. وقتی ابعاد گوناگون شخصیتی همچون حضرت علی (ع) را مورد مطالعه و بررسی قرار می دهیم، می بینیم که ایشان در عین حال که زاهدترین فرد زمان خود است، فعال ترین آنها نیز هست. شهید آیت الله مطهری (ره) می گوید: شخصیت علی (ع) شخصیتی جامع الاضداد است. وقتی خلوت شب فرا می رسد هیچ عارفی به پای او نمی رسد و روز که می شود گویی این آدم آن آدم نیست. با اصحابش که می نشیند چنان چهره اش باز و خندان است که از جمله اوصافش این است که همیشه قیافه اش باز و شکفته است (مطهری، ۱۳۸۰).

۳- توکل سرمایه ی کسب و کار

مهمترین سرمایه کسب و کار توکل به خداوند است. در مفهوم توکل مفاهیمی چون اعتماد کردن و مطمئن بودن بنده به خدایی است که رزاق، توانا، مهربان و آگاه است. توکل به معنای اعتماد کردن به خدا و او را ولی و وکیل خود قرار دادن و بر اثر آن از حجم مشکلات و انبوه موانع نهراسیدن است. توکل باور داشتن این مطلب است که فقط خداوند است که رزق و روزی را می دهد و به دیگران نمی توان امید داشت. قرآن در آیاتی چند می فرماید: وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ^{۱۰} که بدین مفهوم است: مؤمنان فقط باید به خداوند توکل کنند. توکل نوعی رابطه فرد با خداست که شخص با توجه به اعتقادی که به قدرت، علم، رأفت و رزاقیت خداوند دارد در تمام حرکات و سکنات حضور خدا را در نظر گرفته و از او استمداد می جوید. فرد متوکل ضمن استفاده از اسباب و علل مادی و غیر مادی همچون دعا و نماز و... توفیق رسیدن به نتیجه را مشروط به خواست خدا می داند و به او تکیه می کند.

گفت پیغمبر به آواز بلند	با توکل زانوی اشتر ببند
رمز الکاسب حبیب الله شنو	از توکل در سبب کاهل مشو ^{۱۴}

۴- آثار توکل

کسی که به خداوند توکل دارد، از اضطراب به دور است. او در خود احساس ضعف و ناتوانی نمی کند، خود را تنها نمی بیند و در سایه توکل، یاری خدا را به دست می آورد. از بسیاری از بیماری های روحی همچون حرص و حسد در امان می ماند و از رزق و روزی خود نگران نیست. زیرا خداوند از جایی که او گمان نمی برد نیازهایش را برطرف می سازد. قرآن کریم می فرماید: وَ مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ^{۱۱} که بدین مفهوم است: هرکس به خداوند اعتماد کند او برایش کافی است. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: مَنْ تَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ كَفَاهُ مَوْلَاهُ وَ رَزَقَهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ^{۱۲} بدین مفهوم است: کسی که به خداوند توکل کند خداوند خرجی و روزی او را از جایی که گمان نمی برد تأمین می کند.

۵- جایگاه توکل

برخی می پندارند که توکل از مرز استفاده از اسباب جداست. بدین معنا که هرگاه اسباب و عوامل کار فراهم است نیازی به توکل نیست و تنها در جایی که اسباب و عوامل کار فراهم نیست انسان باید به خدا توکل کند. درباره دعا و توسل نیز چنین پنداری مطرح است که دعا و توسل در جایی است که از اسباب و عوامل عادی و مادی کاری بر نیاید در حالی که هر دو پندار باطل است و این مرز بندی ها ناروا است. چنین نیست که انسان بخشی از کارهایش را با اسباب عادی بدون توکل انجام دهد و بخشی دیگر را با توکل و توسل و دعا، بلکه اینها در همه بخشهای زندگی

^{۱۰} آل عمران، ۱۶۰

^{۱۱} ملک، ۲۹

^{۱۲} اعراف، ۸۹؛ هود، ۱۲۳.

^{۱۳} تغابن/ ۱۳؛ ابراهیم/ ۱۱؛ مائده/ ۲۳.

^{۱۴} مثنوی، دفتر اول، ص ۴۴.

^{۱۵} طلاق/ ۳.

^{۱۶} میزان الحکمه، ج ۲۲۵۶۷.

انسان لازم است. حتی در جایی که انسان با وسایل و اسباب مادی ارتباط دارد. انسان باید در ضمن استفاده از ابزارهای مادی به خداوند توکل کند و از خداوند کمک بخواهد زیرا از یک سو اسباب موجود را خدای سبب ساز فراهم آورده و از سوی دیگر ممکن است بر اثر علل خاصی همان خدای سبب ساز که سبب سوز نیز هست ابزار موجود را از دست ما بگیرد و میان ما و هدفمان حایلی ایجاد کند. بنابراین باید در همه کارها از خداوند استمداد نماییم (جوادی آملی، ۱۳۸۹). آنچه سبب تمایز کارآفرینی موردنظر با دیگر کارآفرینان شده است، نگاه ارزش محوری دینی او بود. نگاهی که می توان در ادبیات روزمره او نیز مشاهده کرد که از آموزه های نظیر توکل به خدا، تفکر توحیدی، شکرگزاری و سایر مفاهیم دینی نشأت می گیرد (بیکو و نوروزی، ۱۳۹۵).

توکل حقیقتی والا و لازمه ایمان به خدا است. توکل به خدا در کتاب و سنت بارها تکرار شده و از مفاهیم ارزشمند و زیبای دینی تلقی می شود. یکی از مباحث مهمی که در ارتباط با توکل در قرآن و کلمات مفسرین بیان شده این است که خداوند برای اهل توکل کافی است. مرور برخی آیات به تبیین معنای دقیق توکل کمک می کند: «وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا»^{۱۷} که به مفهوم: و بر خدا توکل کن؛ و کارسازی خدا کافی است. در این آیه شریفه خداوند به توکل توصیه می نماید و اشاره می فرماید که خداوند به عنوان وکیل، کافی است. مراجعه به تفاسیر مفاهیمی را پیش رو قرار می دهد. توکل بر خدا به معنای تفویض امور خویش به اوست. وکیل به کسی اطلاق می شود که تدبیر امور غیر را بر اساس درخواست او انجام دهد و چون خداوند بهترین تدبیرکننده امور بندگان است او بهترین وکیل بوده و کفایت امور بنده می کند. واژه «کفی» اگر با حرف اضافه «باء» متعدی شود به معنای حافظ و کارساز به کار می رود. وکیل در این گونه موارد به معنای اسم مفعول؛ یعنی «موکول إلیه» به کار می رود و به معنای کسی است که کاری به او وا گذاشته شده است. توکل به خدا به معنای اعتماد کردن به او، اسناد دادن امر به او، او را مدبر قرار دادن و تفویض امور به او می باشد. وکیل به معنای حافظ، کفالت کننده در رزق، کارساز و مدبر به کار می رود (کاشانی، ۱۴۲۳: ۵).

۶- کاربردهای توکل

در اینجا این سؤال مطرح می شود که اگر توکل به معنای واگذاشتن امور به غیر و تسلیم و تفویض امور به دیگری است، در این صورت فرد دیگری وجود دارد که کارهای ما را انجام می دهد، پس چه نیازی به کار کردن است؟ اگر کارها به او واگذاشته شود و خداوند عهده دار کارهای انسان شود، بر این اساس انسان بی کار خواهد شد. آیا توکل با این فرض، سبب تنبلی انسان نمی شود؟ آیا انزوا طلبی و بریدن از خلق نتیجه آن نخواهد بود؟ آیا پیامد این امر فقر نخواهد بود؟ پس تأکیده های فراوان دین بر کار و تلاش به چه معنا است؟ توکل به اسباب ظاهری چه معنا و مفهومی پیدا می کند؟ آیا توکل؛ یعنی بدون کاشت، برداشت نمودن؟ آیا توکل؛ یعنی بدون تلاش نجات یافتن؟ و آیا معنای توکل این است که فرد بدون انجام عمل صالح به اجر و ثواب دست یابد؟

متأسفانه برخی توکل را به گونه ای مطرح می کنند که نه تنها مفهوم قرآنی نیست، بلکه آفات و آسیب هایی در پی خواهد داشت. این سؤال ها و نگاه ها نشان می دهد که باید تحلیل دقیقی از معنای توکل ارائه نمود و جایگاه شایسته آن را در مفاهیم دینی نشان داد به گونه ای که بود و نبود آن برای ما معنادار شود، آثار آن فهمیده شود و دقیقاً دانسته شود آن زمان که به خدا توکل می کنیم چه کاری باید انجام دهیم؟

خداوند تمام اجزا و اشیاء را آفرید. هرگاه خداوند دست به خلقت پدیده ای می زند با تحلیل ذهنی می توان گفت گویا دو امر محقق شده است؛ یکی اصل وجود آن و دیگری خاصیت بخشی به آن. مثلاً آنگاه که خداوند دست به خلقت آب زد، او هم آب را آفرید و هم به آب یک خاصیتی داد و آن اینکه عطش انسان را برطرف می سازد. آن زمانی که مشیت خدا به آفرینش آتش تعلق گرفت، او هم آتش را آفرید و هم برای آتش خصیصه و اثری در نظر گرفت که آن سوزاندگی یا احتراق است (طباطبایی، ۱۳۸۷).

البته این گفته بدین معنا نیست که هر پدیده ای تنها یک خاصیت دارد بلکه یک موجود می تواند ویژگی ها و آثار متنوعی داشته باشد، چنان که مثلاً آب، پاک کننده^{۱۸}، برکت بخش^{۱۹}، موجب حیات^{۲۰} و نیز رافع عطش می باشد. مهم این است که باید میان اصل وجود اشیاء از یکسو و خواص و اثربخشی آنها تفکیک شود. خداوند فوق تمام اشیاء و اسباب قرار دارد و به تعبیری او مسبب الاسباب است. خالق و مالک عالم، به تمام اشیاء اثربخشی و تأثیرگذاری را داده است؛ یعنی اگر آب، رفع عطش می کند این اثربخشی و خاصیت را خداوند به آن داده است. اگر خورشید، خاصیت نورافشانی و گرم کنندگی دارد این اثر را خداوند به این پدیده عطا نموده است. بر این اساس به خداوند گفته می شود: سبب ساز؛ بدین معنا که اوست که اسباب را اسباب کرده است و اوست که عوامل مؤثر را در عالم تأثیرگذار نموده است و اوست که به هر پدیده ای

^{۱۷} احزاب / ۳

^{۱۸} فرقان / ۴۸

^{۱۹} ق / ۹

^{۲۰} انبیاء / ۳۰

خاصیت و اثری بخشیده است. حال فرض می شود که «کار» اثری به نام درآمد یا ثروت دارد. بر اساس تحلیل سابق چنین نتیجه می شود که خداوند این اثر را به کار و تلاش انسان داده است. اگر چنین است که چنین است، چندین فرض دیگر نیز مطرح می شود:

- سبب ساز عالم، اثر را از آن مؤثر سلب کند؛ بدین معنا که انسان کار کند اما به دنبال آن درآمدی کسب نکند.
- سبب ساز عالم، آن اثر را به ضدش تبدیل کند؛ بدین معنا که انسان کار کند اما کار و تلاش برای او فقر و نه ثروت را به دنبال آورد.
- سبب ساز عالم، آن اثر را مضاعف کند؛ بدین معنا که انسان کار کند و درآمد مضاعفی را برداشت نماید.
- سبب ساز عالم، آن اثر را از طریق مؤثر دیگری در اختیار قرار دهد؛ بدین معنا که آدمی نه از طریق کار بلکه از طریق دیگری به ثروت دست یابد. چنان که برخی آدمیان با بخشش به ثروت می رسند. آنان می بخشند و از رزق الهی بهره مند شده ثروتمند می شوند.

فرق شخصی که توکل نمی کند و فردی که اهل توکل است این است که فرد بی اعتماد، کار می کند و اعتقادش این است که فقط از طریق کار و تلاش خودش به ثروت می رسد. این اعتقاد او را بر آن می دارد تا اولاً برای ثروت بیشتر به کار بیشتر روی آورد و از این طریق خود را نابود سازد، ثانیاً اطرافیان خود را نظیر همسر و فرزند تحت فشار قرار دهد که آنها هم تا می توانند خود را به رنج و زحمت انداخته کار کنند و ثالثاً چه بسا با این تلقی به کارهایی روی آورد که با تلاش کمتر، ثروت اندوزی بیشتری در پی داشته باشد و این یعنی تمایل به کارهای ناشایست (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۴ / ۳۳۶).

اما کسی که اهل توکل به خدا است کار می کند، اما تلاش خود را علت و سبب مستقل برای کسب درآمد نمی بیند؛ زیرا که خداوند سبب ساز می تواند با تمام چهار فرض پیش گفته در باب کار و تلاش او تصمیم گیرد. در این صورت فرد با اعتماد، تلاش می کند ولی اثربخشی آن را از خدا می طلبد. این اعتقاد موجب می شود که:

- الف) او بیش از اندازه کار و تلاش نکند؛
- ب) حق کار را ادا کند؛
- ج) آرامش و نشاط خویش را در کار حفظ نماید؛
- د) با توکل به آثاری مضاعف و سرشار دست یابد؛
- ه) در نهایت اگر گاهی کار او جهت کسب ثروت مؤثر نیافتاد یقین نماید که سبب ساز عالم در این مورد سبب سوزی نموده تا خیر و برکت بیشتری به او عنایت کند. لذا نگرانی و اضطراب به خود راه نداده آرامش خود را از کف نمی دهد.
- پس فرق بی اعتماد به خدا و با اعتماد به خدا در کار کردن و کار نکردن نیست، بلکه تفاوت آن دو در بُعد قلبی و نیز ظاهری رخ می نماید؛ توکل کننده با اعتقاد به سبب ساز بودن خدا، اعتماد و امید خویش را فقط به او می بندد و اگر کوشش او منجر به نتیجه دلخواه نشد هرگز نگران نخواهد شد، اما انسان غیر موحد و نامتوکل روزی خود را در کار خویش می جوید یا رزق خود را در دست دیگران می بیند و اعتقاد او چنین است: این من هستم که کار می کنم و کسب ثروت می نمایم، این من هستم که روزی خانواده ام را تأمین می کنم و این من هستم که آب و نان دیگران را می دهم. به بیان دیگر توکل «واگذاری کارها» به خدا نیست بلکه «واگذاری تأثیر کارها» به خداست. توکل «تسلیم کارها» به او نیست بلکه «تسلیم و اسناد تأثیرگذاری امور» به اوست. توکل بدین معنا است که به سبب ساز عالم اعتماد کنیم. توکل بدین معنا است که کار از ما و رزق بخشی از او (طبرسی، ۱۳۷۲: ۴ / ۵۵).

توکل را می توان از پیامبر خلیل الرحمن یاد گرفت؛ آنگاه که هیزم فراوان جمع شد، آتش شعله کشید و ورود به آن منطقه ناممکن گشت، ناگزیر از منجنیق استفاده شد. ابراهیم (علیه السلام) را درون منجنیق گذاردند و او را به سوی کوه آتش افکندند. امام صادق (علیه السلام) فرمود: هنگامی که ابراهیم (علیه السلام) به سمت آتش پرتاب شد جبرئیل به او سلام کرد و گفت: «أَلَمْ يَكُنْ حَاجَةً؟ آیا حاجتی داری؟» ابراهیم (علیه السلام) جواب داد: «أَمَّا إِلَيْكَ فَلَا؛ اما به تو نه!» جبرئیل به ابراهیم (علیه السلام) اشاره کرد که از خدا نیاز خود را بخواه. ابراهیم (علیه السلام) گفت: «حَسْبِيَ مِنَ سَؤَالِي عِلْمُهُ بِحَالِي؛ همین قدر که او حال مرا می بیند، کافی است.» در این حالت خداوند به آتش امر کرد که بر ابراهیم (علیه السلام) سرد و سالم باشد (طبرسی، ۱۳۷۲: ۴ / ۵۵).

خداوند انسان را هدایت می کند، راه های منتهی به خود را به آدمیان می نماید. پس او به بندگان خویش خیانت نکرده خیر و مصلحت آنها را به آنان نشان می دهد. از این رو باید به خداوندی که فقط خیرخواه بندگان است اعتماد جست و تمام امور را به او واگذار کرد. به عبارت دیگر فقط باید به خدا توکل نمود؛ زیرا که فقط او خیرخواه و راهنمای بندگان است. به تعبیر روشن تر اینکه می گوییم «باید» فقط به خدا توکل کرد؛ زیرا که فقط خداوند مدبر و هادی است. توکل به خدا ضرورت دارد چون که واقعیت جز این نیست و غیر این را بر نمی تابد. جهان به گونه ای است که تنها با اعتماد به خدا و توکل به او کار می کند و به انسان نفع می رساند و خود را در خدمت انسان قرار می دهد. بر این اساس می توان گفت توکل به خدا ضرورت دارد؛ زیرا که جهان خدا و کائنات او فقط بر اساس توکل کارا و کار سازند و بدون توکل جهان به انسان جواب مثبت و درخور نمی دهد. نتیجه جالبی که از این بیان بدست می آید اینکه حتی اگر انسان ایمان و اعتقادی هم به خدا ندارد بهتر است بر خدا توکل کند. در برخی آیات با این تعبیر بسیار معنادار و زیبا مواجه می شویم: خدا مرا بس است و این تعبیر با توکل همراه شده است: فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ

حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ^۱ که بدین مفهوم است: و اگر (مردم) روی برتافتند، پس بگو: «خدایی که هیچ معبودی جز او نیست، مرا بس است؛ تنها بر او توکل کردم؛ و او پروردگار تخت بزرگ (جهان داری و تدبیر هستی) است. واژه «حسبی» از ریشه «حساب» است. بر این اساس مضمون آیه چنین می شود که خداوند به لحاظ حسابرسی برای من کافی است؛ زیرا آن گونه به محاسبه من می رسد که مرا از غیر بی نیاز کرده نعمت های فراوان و بی کران در اختیار من قرار می دهد و از آنجا که او بهترین و زیباترین تدبیرها را برای من انجام می دهد، پس سزااست که فقط به او اعتماد کرد و توکل جست (زحیلی، ۱۴۲۲: ۶ / ۴۳۴).

بطور خلاصه می توان با این عبارت اهمیت توکل در کسب و کار را اینگونه بیان نمود: تمام تحول ها و نیروها از آن خداست و این است معنای این جمله: لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. خداوند مبدأ و منتهای تمام امور است، او تدبیرکننده کل اشیاء است، همو خالق و مالک تمام هستی است. براین اساس تنها خدا بر تمام اشیاء وکیل است. پس بر هر معتقد و مؤمنی لازم است که خداوند را در تمام امور وکیل خویش قرار دهد. به بیان دیگر انسان باید خدا را وکیل خود قرار دهد؛ زیرا که او وکیل و مدبّر تمام کائنات است (مطهری، ۱۳۸۴).

۷- دستیابی به توکل در کسب و کار

توکل یکی از فضائل اخلاقی است که به معنای اعتماد کردن بنده به خدای متعال و واگذار کردن همه کارهای خود به او می باشد. البته توکل واقعی به خداوند مانع از توسل به اسباب نمی باشد و این دو لازم و ملزوم یکدیگرند. این صفت ارزشمند در صورتی حاصل می شود که انسان همه کارهایی را که در عالم هستی انجام می گیرد، از جانب پروردگار بداند و هیچ قدرتی را جز او مؤثر نداند و معتقد باشد که حول و قوه ای نیست مگر به واسطه او. اگر کسی واقعاً چنین اعتقادی داشته باشد، در دل به خدا اعتماد پیدا کرد و بر او تکیه می کند و بدین سبب توکل به خدا روز به روز زیاده تر می گردد. این صفت با ارزش در صورتی حاصل می شود که انسان همه کارهایی را که در عالم هستی انجام می گیرد، از جانب پروردگار بداند و هیچ قدرتی را جز او مؤثر نداند و معتقد باشد که حول و قوه ای نیست مگر به واسطه او. اگر کسی واقعاً چنین اعتقادی داشته باشد، در دل به خدا اعتماد پیدا کرده و بر او تکیه می کند (نراقی، ۱۳۸۱). بزرگان دین، نیز از این مرتبه عالی اخلاقی بهره مند بودند که مثال بارز آن مرحوم حضرت امام (ره) در کشاکش پیروزی انقلاب و در مواجهه با رژیم طاغوت زمان خود همواره می فرمود: «والله هیچ گاه من نترسیدم» که خود نشان دهنده توکل فراوان حضرت امام (ره) به قدرت لایزال الهی بود. بنابراین توجه به عالم اسباب و عوامل طبیعی با روح توکل سازگار است، زیرا جدا کردن اثرات و عوامل طبیعی از اراده خدا نوعی شرک است، چرا که عوامل طبیعی هر چه دارند از ناحیه خداوند است و همه به اراده و فرمان اویند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵).

جهت رسیدن به مراحل بالای توکل به این نکته باید توجه کرد: همه صفات و محاسن اخلاقی با ممارست و تلاش خالصانه به دست آمده و استمرار می یابد. اگر انسان بخواهد حرفه ای را فراگیرد باید تلاش مستمری داشته باشد تا به حد استادی برسد و چه بسا تلاش او سالها به طول انجامد. اگر شخص بخواهد به مراحل بالای صفات اخلاقی از جمله "توکل" برسد، باید در مصادیق مختلفی که برایش پیش می آید، توکل به خدا کند و هیچ گاه توکل را از دید خود دور نکند. در برخی از روایات درباره اخلاص و نتیجه استمرار بر آن می فرماید: «کسی که چهل روز عبادت خالصانه خود را برای خداوند بیاورد چشمه های حکمت از قلبش بر زبانش جاری می شود.» دیگر صفات اخلاقی نیز، چنین است. اگر استمرار و مجاهدت باشد این حالات اخلاقی در انسان تبدیل به ملکات شده و ماندگار می شوند (علامه مجلسی، ۱۳۸۰).

اعتقاد قلبی و توکل بر خدا یک باب، و تکلیف من نسبت به کار و تلاش، باب دیگری است. اما بسیاری از مردم این دو را با هم خلط می کنند و گمان می کنند اگر کسی توکل داشته باشد نباید در پی کار و تلاش باشد. البته کسی که اعتماد به خدا دارد، برای تأمین نیازمندی های خود به هر دری نمی زند، آبروی خود را نمی برد و تملق هر کسی را نمی گوید. او توکلش بر خداست. خدا هم به بنده اش فرموده با حفظ آبرویت کار کن. انسان متوکل خود را به ذلت نمی کشد؛ اگر روزی اش نرسید، با توکل بر خدا صبر می کند (انصاریان، ۱۳۹۱).

نتیجه گیری

مهم ترین استدلال در امکان جمع توکل با کسب و کار، آن است که توکل، بنا به تعریف، قلبی و درونی است و با عمل و حرکت بیرونی منافات ندارد. اعضا و جوارح انسان متوکل، به امر خدا، در پی اسباب متحرک و قلبش به وعده او آرام است. آنچه منافای توکل است حرص آوری و آرزو پروری است و متوکل باید از امل، طمع و انتظار به دور باشد. با در نظر گرفتن مجموع این نکات می توان گفت که شرط توکل، ترک امل است نه ترک عمل (منصور بن اردشیر عتّادی، ۱۳۶۸).

بر پایه مطالب پیش گفته، توکل به معنای حقیقی اش هرگز سبب تنبلی و سستی نمی شود، و لازمه اش دست برداشتن از تلاش نیست، بلکه توکل موجب شجاعت انسان برای گام برداشتن در امور مهم می شود؛ ناامیدی به نتیجه در اموری که شخص باید در آن امور اقدام کند را از بین برده و شخص تکیه گاه بزرگی در امور خود می یابد. چنین مفهومی از توکل مانع رشد نخواهد شد و با کار و تلاش نیز منافاتی نخواهد داشت. در سیر تبیین مفهوم کارآفرینی به ویژگی های متنوع افراد کارآفرین اشاره می شود که تعدادی از آنها عبارتند از؛ مرکز کنترل درونی، ریسک پذیری، توفیق طلبی، تحمل ابهام و خلاقیت. که همه این مفاهیم در پرتو اثرات توکل به خداوند جهانیان قابل دستیابی است زیرا افراد با مرکز کنترل بیرونی معتقدند که وقایع خارجی غیرقابل کنترل، سرنوشت آنها را تعیین می کنند در حالی که کارآفرینان واقعی که با توکل به خداوند قدم در عرصه کسب و کار گذاشته اند به خود ایمان دارند و موفقیت یا شکست را به سرنوشت، شانس یا نیروی های مشابه نسبت نمی دهند. نگاه ارزش محوری دینی، نگاهی که از آموزه هایی نظیر توکل به خدا، تفکر توحیدی، شکرگزاری و سایر مفاهیم دینی نشات می گیرد عواملی هستند که نقش بسزایی در موفقیت کارآفرینان در عرصه کسب و کار دارند.

از آیات و روایات بر می آید که میان توکل و کار و تلاش هیچ گونه تضادی وجود ندارد؛ چرا که با توجه به نیازمندی انسان ها به خداوند از یک سو و حاکمیت نظام سببی و مسببی بر جهان هستی از سوی دیگر، انسان ها باید برای رسیدن به مقصد، تمام قوای خویش را به کار گیرند و از اسباب و عوامل کار استفاده نمایند و برای کسب روزی بکوشند. در این صورت دیگر مانعی برای موفقیت و انجام کار باقی نمی ماند، مگر مقابله با عوامل روحی و روانی که برای مقابله با آن نیز انسان ها می باید بر خداوند توکل کنند تا بدین سان تکیه گاه بزرگی به دست آورند. نتیجه توکل، از بین رفتن ترس و نگرانی و دلهره، رهایی از تردید و نجات از خطر فریب شیطان خواهد بود. البته بی شک شادابی نیز در پی توکل خواهد آمد؛ چه آنکه آدمی در مقام توکل با مسبب الأسباب پیوند می یابد و با چنین پیوندی دیگر نگرانی و تشویش بی معناست. بدین ترتیب، توکل نه تنها مانع کار و تلاش نیست، بلکه رونق اقتصادی فردی و اجتماعی در تمام زمینه ها را نیز در پی دارد.

منابع و مراجع

- [۱] قرآن کریم.
- [۲] انصاریان، حسین (۱۳۹۱). رابطه تلاش و فعالیت با توکل. مجموعه مقالات دینی و اخلاقی. پایگاه آفتاب.
- [۳] جعفری، م. و حبیبی، م. (۱۳۸۸). فرهنگ کار، مجله‌ی تدبیر، ش ۱۲۵.
- [۴] جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸). مراحل اخلاق در قرآن، انتشارات اسراء.
- [۵] جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹). تفسیر موضوعی، ج ۱۱، ص ۳۶۶.
- [۶] الحرالعالمی، محمد بن الحسن (۱۳۹۱ ه. ق). وسایل الشیعه، بیروت لبنان؛ منشورات داراحیاء التراث العربی.
- [۷] زحیلی، وهبه بن مصطفی (۱۴۲۲ ق). تفسیر الوسیط، دمشق، دار الفکر.
- [۸] طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۸۷). تعلیم اسلام، قم، بوستان کتاب.
- [۹] طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۱۷ ق). المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چ پنجم.
- [۱۰] طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ ق). مجمع البیان لعلوم القرآن، مقدمه محمدجواد بلاغی، تهران، ناصر خسرو، چ سوم.
- [۱۱] طوسی، شیخ الطائفه (۱۳۷۸؛ ۱۴۱۵ ه. ق). رجال طوسی، قم: منشوات موسسه النشر الاسلامی.
- [۱۲] علامه مجلسی (۱۳۸۰). بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۳۲۶ (با مختصر تغییر در متن).
- [۱۳] قائدعلی، حمیدرضا و عاشوری، مهدی (۱۳۹۳). مدیریت جهادی شیوه‌ای تحقق یافته از مدیریت اسلامی. مهندسی فرهنگی. سال هشتم، شماره ۸۲، صص ۶۷-۸۳.
- [۱۴] کاشانی، ملا فتح الله (۱۴۲۳ ق). زبده التفاسیر، تحقیق بنیاد معارف اسلامی، قم، بنیاد معارف اسلامی.
- [۱۵] مطهری، مرتضی (۱۳۸۰). تعلیم و تربیت در اسلام، ص ۴۱۰.
- [۱۶] مطهری، مرتضی (۱۳۸۴). مجموعه آثار، تهران، صدرا، چ سوم.
- [۱۷] مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۵). تفسیر نمونه، ج ۱۰، ص ۲۹۷ (با مختصر تغییر در متن).
- [۱۸] منصور بن اردشیر عبّادی (۱۳۶۸). صوفی نامه: التصفیه فی احوال المتصوفه، ج ۱، ص ۱۱۴، چاپ غلامحسین یوسفی، تهران.
- [۱۹] نراقی، ملا احمد (۱۳۸۱). معراج السعاده. انتشارات هجرت. چاپ هشتم، قم، ص ۷۵۸. با اندکی تصرف.
- [20] Fan, P. & zigang, z. (2004). cross – cultural challenges when doing business in china. Singapor management reviq, vol. 26, N1.